



دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در قبال مهاجران مکزیکی پس از جنگ سرد

محمد سمیعی^۱

محمدحسن شیخ الاسلامی^۲

علیرضا قزیلی^۳

درجه مقاله: علمی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۲/۶ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۲۶

^۱. دانشجوی دکتری مطالعات بریتانیا دانشکده مطالعات جهان دانشگاه تهران، ایران m.sameie8979@yahoo.com

^۲. دانشیار دانشکده روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران mhsheikh@gmail.com

^۳. کارشناس ارشد مرکز مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، تهران، ایران

چکیده

پژوهش پیش رو با تأملی انتقادی در باب کارکرد دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده، به واکاوی شیوه‌های مداخله نمادین آن در تنظیم مناسبات مهاجرتی با مکزیک در دوران پساجنگ سرد می‌پردازد. پرسش بنیادین این مطالعه از این منظر طرح می‌شود که چگونه دیپلماسی فرهنگی آمریکا، در مقام ابزاری از جنس قدرت نرم، به پاسخ‌گویی به مطالبات معیشتی و اجتماعی مهاجران مکزیک‌پرداخته و چه نقشی در فرآیند ادغام آنان در کالبد جامعه آمریکایی ایفا کرده است؟ بر مبنای فرضیه‌ای تحلیلی، این مقاله مدعی است که ابتکارات فرهنگی ایالات متحده، با تأکید بر ظرفیت‌های توانمندساز، بازسازی تصویر عمومی مهاجران و اشاعه ارزش‌های به‌ظاهر مشترک، بستری برای تسهیل فرآیند ادغام فراهم آورده‌اند؛ و در عین حال تلاش کرده‌اند اثرات گاه نامتوازن و سرکوب‌گر سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه را تقلیل دهند. این پژوهش، با اتکا بر منظری نظری برگرفته از انگاره «قدرت نرم» و مفهوم «بینافکنی فرهنگی»، و با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای اسنادی، به تحلیل وجوه متکثر دیپلماسی فرهنگی از جمله مبادلات آموزشی، کنش رسانه‌ای، مشارکت نهادهای جامعه مدنی و نیز کاربری ظرفیت زبانی مهاجران اسپانیولی‌زبان در بستر آمریکایی پرداخته است. یافته‌ها حاکی از آن است که دیپلماسی فرهنگی، هرچند در کاستن از منازعات مهاجرتی و ارتقاء سطح گفت‌وگوی میان‌فرهنگی میان دو کشور تا اندازه‌ای مؤثر بوده، اما همچنان در دل خود با تعارضاتی ساختاری همچون قطبی‌سازی سیاسی، فقدان راهبردی جامع در سیاست‌گذاری زبانی، و محدودیت‌های نهادین مواجه است.

• واژگان کلیدی

مهاجرت، دیپلماسی فرهنگی، جنگ سرد، ایالات متحده آمریکا، مکزیک.

روابط میان ایالات متحده و مکزیک، تاریخی طولانی از درهم‌تنیدگی جغرافیایی، تنش‌های سیاسی و تعاملات اقتصادی را پشت سر نهاده‌اند؛ اما در سپهر پساجنگ سرد، ابعاد نوپدیدی در این مناسبات سر برآورده‌اند که اغلب در تحلیل‌های کلاسیک نادیده انگاشته می‌شوند از جمله تلاقی میان مهاجرت و دیپلماسی فرهنگی، که در منظومه دیپلماسی نوین ایالات متحده جایگاهی روزافزون یافته است. با فروکش کردن تنش‌های ایدئولوژیک دوران جنگ سرد، ایالات متحده با ضرورت بازاندیشی در سازوکارهای مشروعیت‌بخش روابط بین‌المللی، به‌ویژه با همسایه جنوبی خود، مواجه شد. در این راستا، پدیده مهاجرت که پیش‌تر عمدتاً در چارچوب منافع امنیتی و اقتصادی صورت‌بندی می‌شد به تدریج در هم‌نشینی با اهداف فراگیرتر دیپلماسی فرهنگی قرار گرفت؛ به نحوی که کنش فرهنگی بدل به ابزاری برای بازسازی ادراکات، تقویت پیوندها و ترویج ارزش‌هایی شد که ادعا می‌شود از سوی دو ملت به اشتراک گذارده شده‌اند.

در این بستر تحول‌یافته، الگوهای مهاجرت میان ایالات متحده و مکزیک نیز دستخوش دگرگونی‌های بنیادین شدند؛ دگرگونی‌هایی که ریشه در نیروهای اقتصادی، بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای و پیامدهای گسترش جهانی شدن^۱ داشتند. در چنین فضایی، دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده، به منزله ابزاری نرم‌افزارانه، تکوین یافت تا در مدیریت این مناسبات پیچیده دوجانبه ایفای نقش کند نقشی که نه صرفاً در سطح واکنشی به پیامدهای مهاجرت، بلکه در سطح پرداختن به علل ساختاری و ریشه‌ای آن، به‌ویژه در ساحت اقتصاد سیاسی، خود را معنا می‌کند. ابتکاراتی چون تبادلات آموزشی، فعالیت‌های هنری و پروژه‌های جامعه‌محور، تجلیاتی از این استراتژی کل‌نگر به‌شمار می‌روند که از رهگذر آن‌ها ایالات متحده^۲ کوشیده است تا با جامعه مکزیک^۳، فراتر از مرزهای جغرافیایی، در گفت‌وگویی فرهنگی وارد شود.

در این چارچوب، پژوهش حاضر به بررسی و تحلیل مناسبات پیچیده‌ای می‌پردازد که در هم‌تنیدگی دیالکتیکی میان مهاجرت^۴ و دیپلماسی فرهنگی^۵ ایالات متحده در قبال مکزیک،

1. Globalization

2. United States

3. Mexico

4. Immigration

5. Cultural Diplomacy

به‌ویژه در دوران پسا‌جنگ سرد^۱، رخ نموده‌اند. از رهگذر مطالعه نحوه به‌کارگیری ابزارهای فرهنگی در شکل‌دهی به ادراکات عمومی، تولید اعتماد اجتماعی، و جهت‌دهی به فرایندهای مهاجرتی، پژوهش در پی آن است تا پرتویی بر کارکردهای نظری و عملی قدرت نرم در مدیریت چالش‌ها و امکان‌های این رابطه‌ی دوجانبه پیچیده بیفکند.

پرسش محوری این تحقیق ناظر بر آن است که: دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده چگونه در رفع نیازهای اقتصادی مهاجران مکزیکی ایفای نقش کرده، و اقدامات انجام شده چه تأثیری بر فرآیند ادغام آنان در ساختار جامعه آمریکایی بر جای نهاده‌اند؟ در پاسخ به این پرسش، فرضیه تحقیق چنین می‌نماید که برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده، با تمرکز بر حمایت اقتصادی و اجتماعی از مهاجران مکزیکی، از طریق ارتقاء دسترسی به منابع، آموزش و فرصت‌های شغلی، به نحو چشمگیری در تسهیل فرآیند ادغام اجتماعی و فرهنگی آنان مؤثر واقع شده‌اند. این تلاش‌ها، که با ترویج تبادلات فرهنگی و بازنمایی ارزش‌های مشترک همراه بوده، ضمن کاهش تنش‌های ناشی از مهاجرت، توازن‌بخشی مفهومی و عملی را در برابر سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه دولت‌های مختلف ایالات متحده فراهم آورده‌اند که همچنان، چالش‌هایی ناشی از نیروهای ژئوپلیتیکی و ساختارهای اقتصادی کلان، سایه بر این روند افکنده‌اند.

از این منظر، هدف بنیادین پژوهش حاضر، بررسی تحولات دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در دوران پس از جنگ سرد، با تمرکز بر برنامه‌ها، سیاست‌ها و ابتکارات کلیدی آن است. افزون بر آن، این مطالعه بر آن است تا با واکاوی نقش دیپلماسی فرهنگی در پیکربندی گفتمان مهاجرت و تأثیرات آن بر افکار عمومی دو سوی مرز، پرتویی بر جنبه‌ای مغفول اما بنیادین از مناسبات ایالات متحده و مکزیک بیفکند. تلاقی میان مهاجرت و دیپلماسی فرهنگی، به‌مثابه یک عرصه میان‌رشته‌ای و میان‌فرهنگی، می‌تواند امکان اندیشیدن به آینده‌ای را فراهم آورد که در آن، قدرت نرم نه صرفاً در خدمت استیلا، بلکه در جهت بازآفرینی افق‌های مشارکت انسانی در جهانی به‌غایت در حال دگرگونی به کار گرفته شود.

۲- پیشینه پژوهش

مطالعه در پژوهش‌های موجود پیرامون دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده و مسئله مهاجرت از مکزیک، افق‌هایی تازه در تحلیل مفهومی و تجربی این پدیده می‌گشاید. برای نمونه، گزارش

^۱. Post-Cold War

مؤسسه سلطنتی الکانو^۱ با تمرکز بر سیاست‌های فرهنگی اجرا شده در دوره‌ی ریاست‌جمهوری ویسنته فاکس^۲ و فیلیپه کالدرون^۳، نشان می‌دهد که گرچه تلاش‌هایی در راستای ترویج فرهنگ مکزیک در سطح منطقه‌ای صورت گرفته، اما فقدان استمرار و ثبات در سیاست‌های فرهنگی به‌ویژه در دوره‌ی ظهور احزاب چپ‌گرا، منجر به تقلیل اثربخشی این اقدامات در فضای دیپلماسی منطقه‌ای شده است. این ناپایداری، خود بازتابی از چرخش‌های ایدئولوژیک در فضای سیاسی مکزیک و عدم نهادینه‌سازی سیاست فرهنگی در ساختار دولت است؛ امری که چالش‌های بلندمدت در مسیر ساخت قدرت نرم و گفت‌وگوی بین‌فرهنگی را رقم زده است (Elcano: 2008).

در تحلیلی دیگر، پژوهش آدام هنسل^۴ و همکارانش از بطن یک تجربه زیسته در قالب جشنواره‌ای ورزشی، به مطالعه ادراکات متقابل میان شرکت‌کنندگان مکزیک و آمریکایی پرداخته و از طریق مشاهده تعاملات مستقیم، به ریشه‌یابی آثار روانی و نمادین چنین برنامه‌هایی در دیپلماسی فرهنگی می‌پردازد. یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که با وجود توان بالقوه این رویدادها در ایجاد روابط میان فرهنگی، نوعی عدم تعادل قدرت در سازوکار اجرای برنامه‌ها محسوس است؛ به گونه‌ای که ادراک نابرابری اجتماعی نسبت به آمریکایی‌ها در ساحت ذهنی مکزیک‌ها همچنان بازتولید می‌شود. این نابرابری در گذشته، نهایتاً به محدود شدن ظرفیت همدلی متقابل و کاهش اثربخشی راهبردهای دیپلماسی فرهنگی در سطح انسانی می‌انجامد. (Hansell et al, 2023: 1-14)

از سوی دیگر، پروفیسور اسنودگرس^۵ در پژوهشی تاریخی-نقادانه، با تمرکز بر فرآیندهای استخدام و حذف نیروهای مهاجر، رابطه‌ای دیالکتیک میان سیاست‌های ایالتی ایالات متحده و تجارب زیسته‌ی مهاجران مکزیک برقرار می‌کند. تحلیل او نشان می‌دهد که سیاست‌های اعمال شده در دوران پساجنگ سرد، نه تنها ساختارهای مهاجرت را شکل داده‌اند، بلکه افق

1. Real Instituto Elcano

2. Vicente Fox Quesada

ویسنته فوکس کسادا (Vicente Fox Quesada) رئیس‌جمهور مکزیک از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ و نخستین رئیس‌جمهور از حزب محافظه‌کار «اقدام ملی (PAN)» پس از بیش از ۷۰ سال حکومت حزب انقلاب نهادی (PRI) بود. او با وعده مبارزه با فساد، اصلاحات اقتصادی و بهبود روابط با ایالات متحده به قدرت رسید.

3. Felipe Calderón Hinojosa

فیلیپه کالدرون هینوخوسا (Felipe Calderón Hinojosa) رئیس‌جمهور مکزیک از سال ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۲ و از حزب اقدام ملی (PAN) بود. او بیشتر به دلیل آغاز جنگ گسترده علیه کارتل‌های مواد مخدر و سیاست‌های امنیتی سخت‌گیرانه‌اش شناخته می‌شود.

4. Adam Hansell

5. Michael David Snodgrass

فرهنگی و فهم متقابل میان دو ملت را نیز تحت تأثیر قرار داده‌اند. این مواجهه سیاست‌گذارانه با مهاجرت، به تعبیر او، درک ایالات متحده از مکزیکی و بالعکس را به صورت ضمنی بازتعریف کرده و به نوعی دیپلماسی مهاجرتی منتهی شده که واجد لایه‌های فرهنگی-هویتی عمیق‌تری است. (Snodgrass, 2022: 1-12)

در همین امتداد، استفان هریس^۱ در پایان نامه خود در دانشگاه اولد دومینیون^۲ ایالات متحده، به واکاوی سطوح قوم‌گرایی و تمایلات ارتباطی در میان شهروندان آمریکایی نسبت به مهاجران مکزیکی پرداخته و با بهره‌گیری از روش‌های تجربی، نشان می‌دهد که وضعیت مهاجرتی به مثابه یک متغیر اجتماعی، تأثیری محسوس بر قضاوت‌های بین‌فردی دارد. این پژوهش، ریشه‌های تاریخی تعصبات نهادینه در ذهنیت جمعی جامعه آمریکایی نسبت به مهاجران را آشکار ساخته و در عین حال، ابعاد نوینی از پویایی ارتباطات فرهنگی در عصر شبکه‌ای پسا جنگ سرد را برجسته می‌سازد؛ عصری که در آن، مرزهای هویتی در حال فروریختن و بازتعریف در میدان ارتباطات جهانی است. (Harris, 2017: 22-40)

۳- چارچوب نظری پژوهش

چارچوب نظری این پژوهش بر بستر مفاهیم بنیادین «قدرت نرم»^۳ و «دیپلماسی فرهنگی»^۴ در گستره‌ی نظریه‌های روابط بین‌الملل استوار شده است. جوزف نای، نظریه‌پرداز برجسته در حوزه سیاست خارجی، در تبیینی کلاسیک از قدرت نرم، آن را توانمندی یک کشور در شکل‌دهی به ترجیحات دیگر کشورها از طریق جذابیت‌های فرهنگی، ارزش‌های هنجاری مشترک، و مشروعیت بین‌المللی تعریف می‌کند؛ نیرویی که جایگزین منطق اجبار و پرداخت پاداش‌های مادی می‌شود و از مسیر اقتناع و الهام‌بخشی عمل می‌کند. (Nye, 2017: 3-4) در پرتو این نگاه، دیپلماسی فرهنگی نه صرفاً یک ابزار نمادین، بلکه تجلی مؤثر قدرت نرم به شمار می‌رود؛ ابزاری که از طریق تبادلات علمی و آموزشی، زبان، هنر، و رسانه می‌کوشد تا فهم مشترک را تعمیق بخشد و مسیر همکاری‌های دوجانبه را هموار سازد.

1. Stephanie Leanne Harris

2. Old Dominion University (ODU)

3. Soft Power

4. Cultural Diplomacy

در امتداد این رویکرد، پیوند میان دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده و روند مهاجرت از مکزیک را می‌توان در پرتو نظریه «بینافکنی فرهنگی»^۱ نیز فهمید. این نظریه بر آن است که مواجهه‌های مستمر میان جوامع، نه تنها ادراکات عمومی را دگرگون می‌سازد، بلکه توان آن را دارد که رفتارهای اجتماعی مهاجران و همچنین پاسخ جامعه میزبان را نیز بازآرایی کند (Study Smarter: 2025). در چنین بستری، دیپلماسی فرهنگی به‌سان عرصه‌ای میان‌ذهنی و اخلاقی عمل می‌کند که در آن معنا، هویت و سیاست در تعامل با یکدیگر تولید می‌شوند. افزون بر این، نظریه «سیاست هویتی»^۲ نیز در تحلیل بازنمایی‌های فرهنگی از مهاجران مکزیکی، به‌ویژه در رسانه‌های ایالات متحده و مکزیک، جایگاهی کانونی می‌یابد. این نظریه با برجسته‌سازی سازوکارهای نمادین بازتولید قدرت و طرد در گفتمان‌های رسانه‌ای، نشان می‌دهد که چگونه تصویر مهاجر می‌تواند به ابزاری برای بازتعریف مرزهای درون/بیرون، خود/دیگری، و ما/آن‌ها بدل شود. (Schafer, 2014: 3-5) چارچوب نظری مقاله، با تکیه بر این سه مفهوم تحلیلی، در تلاش است تا روشن سازد چگونه ایالات متحده با بهره‌گیری از دیپلماسی فرهنگی، به مدیریت پیامدهای چندلایه‌ی اجتماعی، سیاسی و امنیتی پدیده مهاجرت از مکزیک پرداخته و از آن به‌مثابه ابزاری برای بازتولید هژمونی فرهنگی و انسجام درونی بهره‌برداری کرده است.

۴- روش پژوهش

پژوهش حاضر در چارچوب رویکردی کیفی، به بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای اسنادی^۳ پرداخته است؛ روشی که در پی فهم تفسیری متون و اسناد، در پی گشودن لایه‌های نهفته در گفتمان‌های سیاست‌گذارانه و فرهنگی است. داده‌های مورد استفاده در این تحقیق، طیفی متنوع از منابع اولیه و ثانویه را دربر می‌گیرد: از گزارش‌ها و اسناد رسمی دولتی، آمارهای استخراج‌شده از مراکز معتبر پژوهشی نظیر موسسه پژوهشی پیو^۴، مقالات دانشگاهی و رساله‌های تخصصی، تا منابع سیاست‌گذاری ارائه‌شده از سوی نهادهای دولتی و بین‌المللی. این ترکیب از منابع به‌مثابه ابزارهایی برای ردیابی تحولات تاریخی، ارزیابی نظام‌مند ابتکارات دیپلماسی فرهنگی، و تحلیل تأثیرات آن بر فرایندهای مهاجرت و ادغام اجتماعی مهاجران مکزیکی در ایالات متحده به کار رفته است.

1. Cross-Cultural Transmission

2. Identity Politics

3. Documentary Content Analysis

4. Pew Research Center

در این راستا، تحلیل محتوای پژوهش از طریق روش‌شناسی تحلیل موضوعی^۱ (سامان یافته است؛ روشی که با استخراج مضامین کلیدی چون نقش نهادهای مدنی، جایگاه زبان و رسانه، بازنمایی فرهنگی مهاجران، سیاست‌های فرهنگی و رویکردهای حاکمیتی، به کشف الگوهای مفهومی و روایت‌ساز در بستر تاریخی پس از جنگ سرد می‌پردازد. از رهگذر تحلیل تطبیقی این مضامین، نقش دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در تخفیف تنش‌های ناشی از مهاجرت و تسهیل فرآیند ادغام اجتماعی مهاجران مکزیکی مورد ارزیابی قرار گرفته است. این رویکرد، بستری را برای دستیابی به فهمی ژرف‌تر از سازوکارهای فرهنگی-سیاسی در سیاست خارجی ایالات متحده، در تعامل با مسئله مهاجرت، فراهم ساخته است.

۵- تأثیر مهاجرت بر روابط ایالات متحده و مکزیک

مهاجرت، در قامت یک پدیده تاریخی-ساختاری، همواره نقشی بنیادین در شکل‌گیری مناسبات میان ایالات متحده و مکزیک ایفا کرده است؛ پدیده‌ای که نه تنها پیامدهای سیاسی و اقتصادی، بلکه دلالت‌های فرهنگی و اجتماعی گسترده‌ای را نیز در پی داشته است. هم‌جواری جغرافیایی این دو کشور، با مرزی به درازای بیش از ۱۹۰۰ مایل، فضایی را پدید آورده که در آن جابجایی انسانی نه امری صرفاً مرزی، بلکه فرآیندی فرهنگی، اقتصادی و حتی وجودی است. این جابجایی‌ها، در هیأت فرصت‌ها و تهدیدهای متداخل، کنش متقابل میان دو ملت را شکل داده و در عین حال، کیفیت رابطه دوجانبه را نیز مشروط ساخته‌اند.

یکی از پیامدهای ساختاری این پویایی، وابستگی متقابل اقتصادی در سطح منطقه‌ای بوده است؛ وابستگی که، اگرچه موجب تقویت پیوندهای اقتصادی شده، اما در عین حال، بار تعارضاتی را نیز به دوش کشیده است. حضور گسترده نیروی کار مکزیکی در بخش‌های کلیدی اقتصاد ایالات متحده اعم از کشاورزی، ساخت‌وساز و خدمات بی‌تردید نقشی حیاتی در پایداری این بخش‌ها ایفا کرده است. افزایش تقاضا برای نیروی کار مهاجر در دهه‌های اخیر، به‌ویژه در دوران پساجنگ سرد، موجب مهاجرت گسترده میلیون‌ها مکزیکی به ایالات متحده شده؛ روندی که از یک سو منافع اقتصادی مشخصی برای هر دو کشور به همراه داشته، و از سوی دیگر، به تنش‌هایی سیاسی و اجتماعی دامن زده است. در سوی ایالات متحده، تأمین نیروی کار ارزان برای بخش‌های خدماتی از جمله پیامدهای مثبت این روند به شمار می‌آید، در حالی که برای مکزیک،

^۱ . Thematic Analysis

حواله‌های مالی ارسال شده از سوی مهاجران به زادگاه خود، نقشی انکارناپذیر در معیشت خانوارها و تولید ناخالص ملی^۱ ایفا کرده است. با این همه، این رابطه وابستگی محور، خالی از تعارض نبوده است؛ چرا که نگرانی‌های دوره‌ای در خصوص رقابت شغلی، فشار بر بازار کار، کاهش سطح دستمزدها، و تصورات منفی نسبت به مهاجران غیرقانونی، دولت ایالات متحده را به سوی اتخاذ سیاست‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه سوق داده است. این سیاست‌ها، خود بدل به منشأ تنش‌های تازه‌ای شده‌اند که در بطن جامعه آمریکایی، بر ابعاد گفتمانی و نهادی روابط دو کشور سایه افکنده‌اند. (Soria, 2017: 1-8)

مهاجرت اغلب یک موضوع بحث برانگیز در سیاست ایالات متحده بوده و بر بحث‌های سیاسی و نتایج انتخابات تأثیر گذاشته است. گفتمان سیاسی پیرامون مهاجرت اغلب منعکس کننده نگرانی‌های گسترده تر در مورد امنیت ملی، کنترل مرزها و حاکمیت است. برای مکزیکی، رفتار با شهروندان در ایالات متحده یک موضوع تعریف شده در حیطه منافع ملی است و دولت مکزیکی مرتباً از حقوق مهاجران مکزیکی، چه مستند و چه غیرمستند، در ایالات متحده دفاع کرده است. (Adimora, 2023: 3-9)

از طرفی چالش‌های سیاسی مرتبط با مهاجرت گاهی اوقات به بروز تنش‌های دیپلماتیک منجر می‌شود. به عنوان نمونه، تلاش‌های ایالات متحده برای احداث دیوار مرزی^۲ در دوران ریاست جمهوری دونالد ترامپ^۳، اجرای قوانین سختگیرانه در زمینه مهاجرت، و همچنین مذاکرات مربوط به سیاست‌هایی نظیر توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی^۴ و جایگزین فعلی آن، توافقنامه ایالات متحده-مکزیک-کانادا^۵ تحت تأثیر این مسائل قرار گرفته است. این موضوعات نیازمند دیپلماسی دقیق هستند تا فشارهای داخلی با ضرورت حفظ روابط همکاری به

¹. Gross National Product (GNP)

^۲. ساخت دیوار مرزی از وعده‌های اصلی ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ بود که آن را راهی برای مقابله با مهاجرت غیرقانونی و قاچاق می‌دانست. تا پایان دور اول ریاست‌جمهوری‌اش در ۲۰۲۱، حدود ۴۵۲ مایل از دیوار ساخته یا نوسازی شد.

³. Donald Trump

⁴. North American Free Trade Agreement (NAFTA)

توافقنامه نفتا از ژانویه ۱۹۹۴ میان آمریکا، کانادا و مکزیکی اجرا شد و یکی از بزرگ‌ترین مناطق تجارت آزاد جهان را شکل داد. این توافق رشد اقتصادی را افزایش داد اما با انتقاداتی چون از دست رفتن مشاغل و آسیب‌های زیست‌محیطی روبرو شد.

⁵. United States-Mexico-Canada Agreement (USMCA)

توافقنامه ایالات متحده-مکزیک-کانادا (USMCA) یک توافق تجاری است که در ۱ ژوئیه ۲۰۲۰ جایگزین توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (NAFTA) شده و تحت مذاکره در دولت ترامپ با هدف نوسازی روابط تجاری بین سه کشور شمالی انجام گرفت.

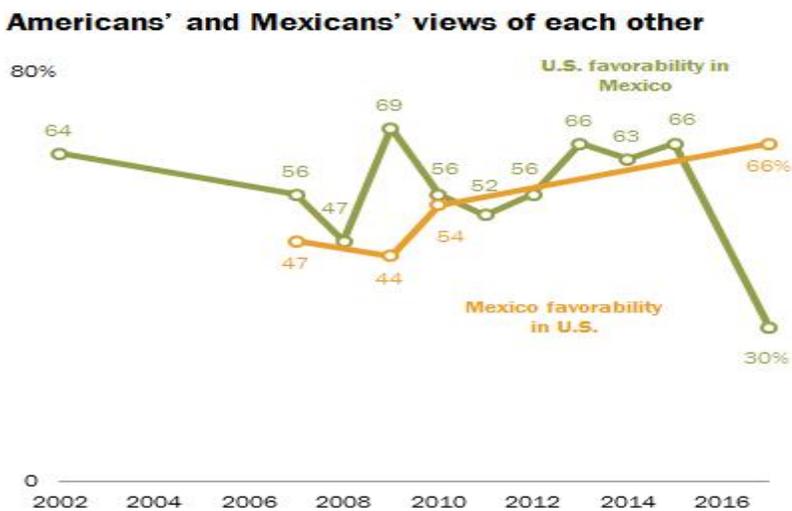
تعادل برسند. در عین حال جریان‌های مهاجرت میان ایالات متحده و مکزیک به طور قابل توجهی نگرانی‌های امنیتی، به ویژه در زمینه‌های قاچاق مواد مخدر، قاچاق انسان و جنایات سازمان‌یافته را افزایش داده است. باید اذعان کرد دو کشور برای مقابله با این چالش‌ها از طریق ابتکارات امنیتی مختلف، از جمله عملیات مشترک و تبادل اطلاعات، همکاری کرده‌اند. با این حال، نظامی‌سازی مرزها و جرم‌انگاری مهاجرت می‌تواند منجر به بروز چالش‌های بشردوستانه و تیره شدن روابط دیپلماتیک گردد. ایالات متحده معمولاً به مهاجرت از منظر امنیتی نگاه می‌کند و در تلاش است تا مرزهای جنوبی خود را کنترل و از ورود غیرقانونی مهاجران جلوگیری نماید. این رویکرد گاهی با دیدگاه مکزیک که بر لزوم رفتار انسانی با مهاجران و توجه به علل بنیادین مهاجرت مانند فقر و خشونت تأکید دارد، در تضاد است. ایجاد توازن میان نگرانی‌های امنیتی و ملاحظات بشردوستانه همچنان یک موضوع پیچیده در روابط میان ایالات متحده و مکزیک به شمار می‌آید. (Maggo, 2023: 1-10)

در واقع، مهاجرت به طور مستقیم بر فعالیت‌های دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در مکزیک تأثیر گذاشته است. روندها و سیاست‌های مهاجرت بر نگرش‌های عمومی در هر دو طرف مرز تأثیرگذار بوده و دیپلماسی فرهنگی به ابزاری اساسی برای رفع سوء تفاهم‌ها و تقویت اعتماد متقابل تبدیل شده است. در مقابل ایالات متحده با ترویج تبادل‌های فرهنگی، برنامه‌های آموزشی و ارتباطات مردمی در تلاش است تا اثرات منفی تنش‌های مرتبط با مهاجرت را کاهش داده و روابط خود را با مکزیک تقویت کند. به عنوان نمونه، ابتکاراتی در دیپلماسی فرهنگی به منظور نمایش مشارکت مثبت مهاجران مکزیک در جامعه ایالات متحده و همچنین تأکید بر ارزش‌ها و منافع مشترکی که دو ملت را به هم پیوند می‌دهد، طراحی شده است. این تلاش‌ها حتی در شرایط چالش‌های سیاسی و اجتماعی، نقش مهمی در حفظ گفت‌وگوی سازنده درباره مهاجرت به همراه داشته است. (Soria, 2017: 1-8)

طبق نتایج ارائه شده توسط موسسه مطالعاتی Pew، افکار عمومی مردم مکزیک و ایالات متحده آمریکا در سده جدید میلادی با چالش‌های فراوانی روبه‌رو بوده است. این موسسه در پژوهش خود اعلام می‌دارد درک متقابل و میزان رضایت نسبی مردم مکزیک و ایالات متحده از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۴ همواره با نوساناتی همراه و این نوسانات در روابط دو کشور تأثیر گذار بوده است. پس از به قدرت رسیدن دونالد ترامپ در سال ۲۰۱۶ و سیاست‌های سختگیرانه دولت او در قبال مهاجران مکزیک با اخراج گسترده مهاجران غیر قانونی و تصویب طرح دیوار مرزی برای

جلوگیری از مهاجرت غیر قانونی، میزان مطلوبیت افکار عمومی مردم ایالات متحده کاهش بی سابقه را تجربه کرده به نحوی که از حدود ۶۰ درصد به کمتر از ۳۰ درصد افت کرده است. اگر چه شرایط اقتصادی بهتر و درجه رفاه مردم ایالات متحده برای مردم مکزیکی جذابیت بالایی داشته و دیدگاه مردم مکزیکی نسبت به همسایه شمالی خود روند مثبتی را داشته اما این چالش ها در ادامه روابط فرهنگی، اقتصادی و سیاسی دو کشور تاثیر گذار بوده و ظرفیت های ارتباطی دو کشور را درگیر چالش های امنیتی فراوانی کرده است. (Pew research center, 2017)

نمودار ۱- افکار عمومی مردم مکزیکی و ایالات متحده آمریکا نسبت به همدیگر (۲۰۰۲-۲۰۱۶)



Source: Spring 2017 Global Attitudes Survey, Q12a, t.
PEW RESEARCH CENTER

منبع: Spring 2017 Global Attitude Survey. Q12a.t, www.pewresearch.org/

۶- زمینه تاریخی مهاجرت بین ایالات متحده و مکزیکی

تاریخچه مهاجرت میان ایالات متحده و مکزیکی به شدت تحت تأثیر جغرافیای مشترک و روابط اقتصادی دو کشور قرار داشته و این تاریخ به قرن‌ها پیش برمی‌گردد. امروزه این روند به دلیل عوامل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دچار تغییرات قابل توجهی شده است. از منظر تاریخ معاصر مهاجرت بین این دو کشور از قرن نوزدهم آغاز شده است، به ویژه پس از جنگ مکزیکی و آمریکا

۱ (۱۸۴۶-۱۸۴۸) و معاهده گوادالوپ هیدالگو^۲ که منجر به واگذاری بخش‌های وسیعی از تمامیت ارضی مکزیک به ایالات متحده شد. به علاوه جمعیت دو رگه مکزیک-آمریکایی که پیوندهای فرهنگی و خانوادگی خود را با مکزیک حفظ کردند، زمینه‌ساز مهاجرت‌های آینده از مکزیک به ایالات متحده آمریکا شده است. (Council of Foreign Relation: 2024)

در اوایل قرن بیستم، در زمان‌هایی مانند انقلاب مکزیک^۳ (۱۹۱۰-۱۹۲۰) و رونق ساخت و ساز در ایالات متحده، نیروی کار مکزیک به عنوان یک عنصر کلیدی برای اقتصاد آمریکا شناخته شد. برنامه براسرو^۴ (۱۹۴۲-۱۹۶۴) این روند را به شکل رسمی‌تری درآورده و به میلیون‌ها کارگر مکزیک اجازه داد تا به طور قانونی در ایالات متحده با قراردادهای موقت کشاورزی مشغول به کار

۱. این درگیری بین ایالات متحده و مکزیک از آوریل ۱۸۴۶ تا فوریه ۱۸۴۸ بود که بر سر اختلافات مربوط به الحاق تگزاس و مرز بین تگزاس و مکزیک آغاز شد. موضوعات کلیدی شامل توسعه طلبی سرزمینی بود که توسط دکترین سرنوشت آشکار و اختلافات حل نشده مرزی هدایت می‌شد. این جنگ با معاهده گوادالوپ هیدالگو خاتمه یافت که منجر به واگذاری سرزمین‌های قابل توجهی به ایالات متحده از جمله کالیفرنیا، آریزونا، نیومکزیکو و سایر سرزمین‌های جنوب غربی شد. این جنگ تأثیرات عمیقی بر روابط ایالات متحده و مکزیک و گسترش سرزمینی ایالات متحده داشت.

2. Treaty of Guadalupe Hidalgo

معاهده گوادالوپ هیدالگو در ۲ فوریه ۱۸۴۸ امضا و عملاً به جنگ مکزیک و آمریکا (۱۸۴۶-۱۸۴۸) پایان داد. این معاهده بین ایالات متحده و مکزیک مورد مذاکره قرار گرفت و در ویلا د گوادالوپ هیدالگو، محله ای از مکزیکوسیتی به امضا رسید. مکزیک تحت شرایط خود تقریباً ۵۲۵۰۰۰ مایل مربع از قلمرو خود از جمله کالیفرنیا، نوادا، یوتا، آریزونا و بخش‌هایی از کلرادو، نیومکزیکو و ایومینگ را به ایالات متحده واگذار کرد. در ازای آن، ایالات متحده ۱۵ میلیون دلار به مکزیک پرداخت و موافقت کرد که برخی ادعاهای شهروندان آمریکایی علیه مکزیک را بپذیرد. این معاهده به طور قابل توجهی نقشه آمریکای شمالی را تغییر داد و پیامدهای ماندگاری برای روابط ایالات متحده و مکزیک داشت. (National Archives, 2025)

3. Mexico Revolution (1910-1920)

انقلاب مکزیک در طی یک درگیری پیچیده و چندوجهی رخ داد که در آن جناح‌ها و رهبران مختلفی درگیر و به دنبال رسیدگی به مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در مکزیک بودند. در سال ۱۹۲۰، انقلاب از درگیری مسلحانه به تحکیم سیاسی تبدیل شد. این دوره پایان درگیری انقلابی و آغاز یک رژیم باثبات تر تحت ریاست رئیس‌جمهور آلوارو اوبرگون بود که موفق شد به درگیری‌های جناحی که مشخصه سال‌های اولیه انقلاب بود پایان دهد. انقلاب مکزیک منجر به اصلاحات قابل توجهی از جمله توزیع مجدد زمین و ایجاد یک دولت متمرکزتر شد و سیاست و جامعه مدرن مکزیک را شکل داد. (Mexican Historico, 2025)

4. Bracero Program (1942-1964)

برنامه Bracero یک توافقنامه دوجانبه بین ایالات متحده و مکزیک بود که در سال ۱۹۴۲ ایجاد و تا سال ۱۹۶۴ ادامه داشت. این برنامه به کارگران مکزیک موسوم به "براسرو" اجازه می‌داد تا به طور موقت در ایالات متحده، در درجه اول در کشاورزی، و سپس برای رفع کمبود نیروی کار فعالیت کنند. هدف از این برنامه در طول جنگ جهانی دوم و دوران پس از جنگ پر کردن شکاف‌های موجود در بازار کار و در عین حال ارائه فرصتی برای اشتغال و ارسال پول به خانواده کارگران بود. علیرغم اهداف اولیه، این برنامه به دلیل شرایط بد کاری، استثمار و حمایت ناکافی از حقوق کار با انتقاداتی مواجه و تأثیرات منفی و قابل توجهی بر روابط کاری ایالات متحده و مکزیک و سیاست‌های مهاجرتی داشت. (Bracero History Archive, 2021:1)

شوند. این برنامه به عنوان پاسخی به کمبود نیروی کار در زمان جنگ جهانی دوم ایجاد شد، اما به یک منبع مهم نیروی کار برای بخش کشاورزی ایالات متحده تبدیل گردید. در حالی که برنامه براسرو فرصت‌های اقتصادی را فراهم می‌آورد، بسیاری از کارگران مکزیکی نیز در معرض استثمار و شرایط دشوار قرار گرفتند. علاوه بر این که در سال ۱۹۶۴، روند مهاجرت از مکزیک کاهش یافت، بلکه با ادامه نابرابری‌های اقتصادی و نیاز به نیروی کار ارزان در ایالات متحده، مهاجرت غیرمجاز روز به روز افزایش یافت. قانون مهاجرت و ملیت^۱ ۱۹۶۵ نیز سیاست‌های مهاجرتی ایالات متحده را دگرگون کرده و محدودیت‌هایی برای مهاجرت قانونی از مکزیک و دیگر کشورهای آمریکای لاتین ایجاد کرد که به طور ناخواسته تعداد مهاجران غیرقانونی را که از مرز عبور می‌کردند، افزایش داد. همین عامل باعث شد در دهه‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، مهاجرت غیرمجاز به یک موضوع مهم در سیاست داخلی ایالات متحده تبدیل شود. همچنین بحران‌های اقتصادی در مکزیک، از جمله بحران بدهی مکزیک^۲ در سال ۱۹۸۲، فشار مهاجرت را تشدید کرد، زیرا بسیاری از مکزیکی‌ها به دنبال فرصت‌هایی در ایالات متحده برای فرار از فقر و بیکاری بودند. در این زمان، هر دو کشور برای مدیریت جریان فزاینده مهاجران، با اجرای اقداماتی از سوی ایالات متحده مانند قانون اصلاح و کنترل مهاجرت (IRCA)^۳ در سال ۱۹۸۶، که در تلاش برای تقویت اجرای مرزها، عفو میلیون‌ها مهاجر غیرقانونی را نیز شامل می‌شد، همکاری کردند. (Federal Reserve History: 2024)

^۱. قانون مهاجرت و ملیت در سال ۱۹۶۵، همچنین به عنوان قانون هارت سلر شناخته می‌شود، یک قانون اساسی در سیاست مهاجرت ایالات متحده بود. این قانون که در ۳ اکتبر ۱۹۶۵ به تصویب رسید، فرمول منشأ ملی را که از دهه ۱۹۲۰ برقرار بود و به شدت از مهاجران اروپایی حمایت می‌کرد، لغو کرد. در عوض، قانون جدید سیستمی را بر اساس اتحاد مجدد خانواده و مهاجران ماهر ایجاد و در نتیجه مهاجرت از آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین را افزایش داد. این قانون تغییر قابل توجهی را در سیاست مهاجرت ایالات متحده نشان داده و به تنوع جمعیتی و فرهنگی این کشور کمک کرد. (Immigration History, 2019).

^۲. بحران بدهی مکزیک در سال ۱۹۸۲ یک بحران مالی مهم بود که از زمانی آغاز شد که مکزیک ناتوانی در ارائه بدهی خارجی خود را که به سطوح ناپایدار انباشته شده بود اعلام کرد. این بحران با ترکیبی از عوامل از جمله استقراض بیش از حد، کاهش شدید قیمت نفت و افزایش نرخ بهره تسریع شد. همچنین این بحران منجر به رکود شدید اقتصادی در مکزیک و مداخله موسسات مالی بین المللی مانند صندوق بین المللی پول (IMF) و بانک جهانی شد. این مؤسسات در ازای تجدید ساختار اقتصادی و اقدامات ریاضتی کمک مالی ارائه کردند. (Meza, 2019: 2-8)

^۳. The Immigration Reform and Control Act (IRCA)

قانون اصلاح و کنترل مهاجرت (IRCA) در سال ۱۹۸۶ یک قانون مهم مهاجرتی ایالات متحده بود که هدف آن رسیدگی به مهاجرت غیرقانونی و اصلاح سیستم مهاجرت بود. اگرچه IRCA یک قانون ایالات متحده بود، اما اثرات آن بر مکزیک به دلیل تعداد بالای اتباع مکزیکی که تحت تأثیر سیاست‌های مهاجرتی ایالات متحده قرار گرفتند، تأثیرات قابل توجهی داشت. این قانون مسیری را برای قانونی کردن برخی از مهاجران غیرقانونی که از قبل از سال ۱۹۸۲ در ایالات متحده اقامت داشته‌اند، فراهم و همچنین تحریم‌هایی را علیه کارفرمایانی که مهاجران غیرقانونی را استخدام می‌کنند، وضع می‌کند. این

۷- روند مهاجرت به ایالات متحده پس از جنگ سرد

پایان جنگ سرد در اوایل دهه ۱۹۹۰ تحولی جدید در روابط ایالات متحده و مکزیک ایجاد کرد و تأثیرات عمیقی بر الگوهای مهاجرت داشت. چندین عامل کلیدی در این دوره به افزایش مهاجرت کمک کردند، زیرا جهانی شدن، سیاست‌های اقتصادی و بی‌ثباتی‌های منطقه‌ای چشم‌انداز مهاجرتی دو کشور را تغییر دادند. یکی از تحولات مهم پس از جنگ سرد، امضای توافقنامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) در سال ۱۹۹۴ بود. این توافق به منظور حذف موانع تجاری میان ایالات متحده، مکزیک و کانادا و ارتقای یکپارچگی و رشد اقتصادی طراحی شده بود. در حالی که نفتا تأثیرات مثبتی بر اقتصاد مکزیک، از جمله افزایش سرمایه‌گذاری خارجی و فرصت‌های صادراتی داشت، در عوض اختلالات قابل توجهی در بخش کشاورزی این کشور به وجود آورد. ورود یارانه‌های محصولات کشاورزی ایالات متحده، به ویژه ذرت، معیشت بسیاری از کشاورزان مکزیک را تحت تأثیر قرار داد و آنها را از بازار خارج کرد. این جابجایی اقتصادی به افزایش مهاجرت به ایالات متحده کمک کننده بود، زیرا کشاورزان و کارگران روستایی به دنبال فرصت‌های بهتر در شمال مرز بودند. وعده‌های توسعه اقتصادی ناشی از نفتا به طور یکنواخت در سراسر مکزیک محقق نشد و این امر منجر به نابرابری‌های منطقه‌ای شد که بسیاری از مکزیک‌ها را به مهاجرت وادار کرد. در دهه ۱۹۹۰ و اوایل ۲۰۰۰، مکزیک شاهد تغییرات جمعیتی چشمگیری بود که شامل رشد سریع جمعیت و افزایش شهرنشینی می‌شد. جوانان مکزیک، به ویژه در مناطق روستایی، با چالش‌هایی نظیر فرصت‌های شغلی محدود، زیرساخت‌های ناکافی و بی‌ثباتی اجتماعی روبرو بودند. این فشار جمعیتی، به همراه عدم اطمینان اقتصادی، باعث شد که بسیاری از مکزیک‌ها به مهاجرت به ایالات متحده به عنوان راه حلی برای بهبود شرایط زندگی خود روی آورند. (Snodgrass, 2022: 1-12)

با افزایش مهاجرت مردم مکزیک پس از جنگ سرد، ایالات متحده به سیاست‌های سختگیرانه مهاجرتی و اقدامات مرزی روی آورد. در دهه ۱۹۹۰، عملیات‌هایی مانند عملیات دروازه‌بان^۱ و

امر منجر به افزایش اعمال و تغییر در الگوهای مهاجرت شد و بر سیاست‌های مهاجرتی ایالات متحده و مکزیک تأثیر گذاشت. (Boston University Human Resources, 2025)

۱. وایل دهه ۱۹۹۰ انجام شد. این عملیات که در سال ۱۹۹۳ آغاز شد، با هدف مبارزه با قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان یافته، به ویژه هدف قرار دادن کارتل‌های قوی مواد مخدر فعال در مکزیک بود. این اقدام پاسخی به تشدید خشونت و فساد مرتبط با تجارت مواد مخدر بود و بخشی از تلاش‌های گسترده‌تر برای تقویت قابلیت‌های اجرای قانون رسیدگی به بحران مواد مخدر و تأثیر آن بر امنیت ملی مکزیک بود.

عملیات نگه داشتن خط^۱ به منظور کنترل مهاجرت غیرمجاز و افزایش امنیت مرزی در مناطق کلیدی اجرا شد. با این حال، این سیاست‌ها به طور ناخواسته مهاجران را به سمت مسیرهای خطرناک‌تر سوق داده و منجر به افزایش مرگ و میر و خشونت نیروهای نظامی در مرز شد. در عین حال، دولت ایالات متحده تلاش کرد تا مهاجرت قانونی را از طریق برنامه‌هایی مانند وضعیت حفاظت شده موقت (TPS)^۲ و ویزای H-2A^۳ برای کارگران کشاورزی مدیریت کند. با وجود این تلاش‌ها، مهاجرت غیرمجاز همچنان یک چالش اساسی در روابط دوجانبه دو کشور باقی ماند، زیرا تقاضا برای نیروی کار در ایالات متحده به ویژه در صنایع مختلف بالا بود. همچنین افزایش مهاجرت پس از جنگ سرد تأثیرات اجتماعی و سیاسی قابل توجهی به همراه داشت. در ایالات متحده، نگرانی‌ها درباره ادغام مهاجران، تأثیرات بر دستمزدها و فشار بر خدمات عمومی، منجر به تشدید بحث‌ها در مورد اصلاحات مهاجرت شد. این عامل احساسات ضد مهاجرت در برخی مناطق را افزایش و به تصویب قوانین و سیاست‌های محدودکننده‌ای مانند پیشنهاد ۱۸۷ کالیفرنیا^۴ در سال ۱۹۹۴ انجامید که هدف آن محدود کردن دسترسی مهاجران غیرقانونی به خدمات عمومی در داخل ایالات متحده آمریکا بود. (U.S. Department of Agriculture: 2024)

¹. Operativo Mantener el Orden (Hold the line Operation)

عملیات نگه داشتن خط یک ابتکار مهم اجرای قانون بود که توسط دولت مکزیکی در اوایل دهه ۱۹۹۰ راه اندازی شد. هدف از این عملیات مبارزه با قاچاق مواد مخدر و جرایم سازمان یافته، به ویژه در مناطق مرزی مکزیکی بود. این عملیات شامل افزایش حضور ارتش و پلیس برای مهار نفوذ فزاینده کارتل‌های مواد مخدر و رسیدگی به خشونت فزاینده مرتبط با تجارت مواد مخدر بود.

². Temporary Protected Status (TPS)

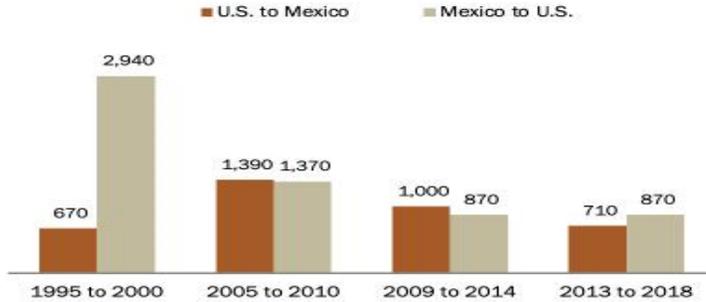
وضعیت محافظت شده موقت (TPS) یک برنامه بشردوستانه در ایالات متحده است که به اتباع خارجی از کشورهایی که درگیر درگیری مسلحانه، فاجعه زیست محیطی یا سایر شرایط فوق‌العاده هستند که از بازگشت ایمن جلوگیری می‌کنند، وضعیت قانونی موقت ارائه می‌کند. مکزیکی تحت شرایط مختلف به دلیل بلایای طبیعی مانند زلزله ۱۹۸۵ مکزیکوسیتی برای TPS به عنوان کشور همسایه و در اولویت بالا تعیین شده است.

³. H-2A visa program

برنامه ویزای H-2A یک برنامه مهاجرتی به ایالات متحده است که به کارفرمایان ایالات متحده اجازه می‌دهد تا به طور موقت اتباع خارجی را برای انجام کارهای کشاورزی به صورت فصلی یا موقت استخدام کنند. ویزای H-2A که تحت قانون مهاجرت و ملیت ایجاد شده، برای رفع کمبود نیروی کار در بخش کشاورزی با ارائه ابزاری قانونی برای کارفرمایان برای جذب کارگران از خارج از کشور در زمانی که کارگران خانگی کافی وجود ندارد، طراحی شده است. این برنامه شامل مقرراتی برای دستمزد منصفانه، شرایط کاری و مسکن برای دارندگان ویزا است. اگر چه برنامه H-2A در حمایت از کشاورزی ایالات متحده نقش بسزایی داشته، اما همچنین با بررسی دقیق و درخواست اصلاحات در مورد حقوق کار و مدیریت برنامه مواجه است. (US Citizenship and Immigration Service, 2025)

⁴. California Proposition 187

نمودار ۲- میزان مهاجرت از مکزیک به ایالات متحده آمریکا پس از جنگ سرد

Net migration from Mexico to U.S. returned to positive between 2013 and 2018*In thousands*

Note: Figures are rounded to the nearest 10,000. Estimates are for February 1995 through February 2000, June 2005 through June 2010, August 2009 through August 2014, and August 2013 through August 2018. Migration from the U.S. to Mexico includes persons born in Mexico, the U.S., and elsewhere; Mexico to U.S. includes Mexican-born persons only. Source: 1995-2000 and 2005-2010: Passel, Cohn and Gonzalez-Barrera (2012); 2009-2014: Gonzalez-Barrera (2015); 2013-2018 U.S. to Mexico: Pew Research Center estimates from population, household and migrant microdata samples of 2018 ENADID; Mexico to the U.S.: based on Pew Research Center estimates from augmented March supplement to the 2013-2018 Current Population Survey and augmented 2013-2018 American Community Survey. Estimate for 2018 based on the American Community Survey is preliminary.

PEW RESEARCH CENTER

Migration from Mexico to U.S. www.pewresearch.org/ منبع:

مطابق نمودار ۲، میزان مهاجرت از مکزیک به ایالات متحده پس از فروپاشی نظم دوقطبی جنگ سرد، تحت تأثیر مستقیم مجموعه‌ای از سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرتی ایالات متحده، به تدریج روندی نزولی را تجربه کرده است. با این حال، در سال‌های اخیر و به‌ویژه در پرتو بحران‌های اقتصادی، شکاف‌های رفاهی و نابرابری‌های ساختاری در مکزیک، این روند با چرخشی معنادار همراه بوده و بار دیگر شاهد افزایش گرایش به مهاجرت هستیم. گرچه سیاست‌های محدودکننده و

پیشنهاد ۱۸۷ کالیفرنیا، که به عنوان شعار معروف "ایالت خود را نجات دهید" نیز شناخته می‌شود، یک طرح رای بحث‌برانگیز بود که توسط رای‌دهندگان کالیفرنیا در نوامبر ۱۹۹۴ تصویب شد. این طرح سازمان‌های ایالتی و محلی را ملزم می‌کند که مهاجران غیرقانونی مشکوک را به مقامات فدرال گزارش دهند. پیشنهاد ۱۸۷ ناشی از نگرانی در مورد هزینه‌های درک شده مهاجرت غیرقانونی عنوان شده و توسط بخش قابل توجهی از رای‌دهندگان کالیفرنیا حمایت شد. با این حال، با مخالفت‌های شدید و چالش‌های قانونی مواجه و مفاد کلیدی آن در نهایت توسط دادگاه‌های فدرال مسدود شد. این پیشنهاد نمونه بارز ماهیت پیچیده و بحث‌برانگیز سیاست مهاجرت در ایالات متحده در دولتهای دموکرات و جمهوری خواه است.

(MALDEF, 2019: 1-3)

گفتمان خصمانه دولت دونالد ترامپ در قبال مهاجران، این مسیر را با چالش‌هایی نوین مواجه ساخت، اما مهاجرت در ساختار سیاسی و دیپلماتیک مکزیکی، به مسئله‌ای محوری بدل شد. در پاسخ به این وضعیت، دولت مکزیکی تلاش نمود تا با دفاع از حقوق شهروندان خود در ایالات متحده و حمایت از منافع آنان، نوعی مداخله اخلاقی و سیاسی در فرآیند مهاجرت اعمال نماید.

در مواجهه با این پیچیدگی‌های چندوجهی که پس از پایان جنگ سرد بروز یافتند، ایالات متحده به تدریج دیپلماسی فرهنگی را به‌مثابه رویکردی انعطاف‌پذیر و غیرتهاجمی برای تنظیم روابط مهاجرتی با مکزیکی اتخاذ کرد. این چرخش به‌سوی ابزارهای نرم، همچون ترویج مبادلات فرهنگی، برنامه‌های آموزشی، و طرح‌های دولتی، تلاشی بود آگاهانه برای شکل‌دهی به درک متقابل، ایجاد زمینه‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز، و بازسازی حسن نیت در روابط میان دو کشور. از این منظر، دیپلماسی فرهنگی صرفاً کنشی نمادین نبود، بلکه به ابزاری بدل شد که در صدد پرداختن به ریشه‌های ساختاری مهاجرت از جمله فقر مزمن، کمبود فرصت‌های اقتصادی، و نابرابری‌های منطقه‌ای بود. هم‌زمان، این نوع دیپلماسی، امکان کاهش تنش‌های برخاسته از منازعات مهاجرتی را فراهم ساخته و فضایی برای گفت‌وگوی میان فرهنگی و بازسازی سرمایه اجتماعی فراملی ایجاد کرد. برنامه‌هایی مانند تبادل فولبرایت^۱ و رویدادهای فرهنگی تحت حمایت ایالات متحده در مکزیکی با هدف تقویت روابط دوجانبه و نشان دادن مزایای همکاری انجام شد. هدف از این تلاش‌ها ایجاد تعادل بین جنبه‌های سخت‌گیرانه‌تر سیاست مهاجرت ایالات متحده با پیام مشارکت و ارزش‌های مشترک بود که بر اهمیت ارتباطات فرهنگی در پرداختن به چالش‌های مهاجرت تأکید می‌کرد. (Ambriz, 2020: 18-34)

۸- دیپلماسی فرهنگی و نقش آن در روابط بین الملل

تعاریفات بسیاری از دیپلماسی عمومی توسط صاحب نظران ارائه شده است اما در حوزه آکادمیک، دیپلماسی فرهنگی به معنای بهره‌گیری از تعاملات و تبادلات فرهنگی به منظور تقویت فهم متقابل و برقراری روابط میان کشورهاست. این فرآیند شامل ترویج فرهنگ، ارزش‌ها، زبان و

^۱. The Fulbright Exchange Program

برنامه تبادل فولبرایت یک طرح مبادله آموزشی معتبر بین المللی است که درک متقابل و همکاری بین کشورها را تقویت می‌کند. این برنامه که در سال ۱۹۴۶ توسط سناتور جی ویلیام فولبرایت تأسیس و شامل طیف وسیعی از بورسیه‌ها و کمک‌های مالی برای دانشجویان، دانش پژوهان و متخصصان برای تحصیل، تدریس و انجام تحقیقات در خارج از کشور است. برنامه فولبرایت بین ایالات متحده و مکزیکی مبادلات متعددی را تسهیل کرده و تبادلات آکادمیک و فرهنگی بین دو کشور را ارتقا داده است. این ابتکار دوجانبه به تقویت پیوندهای آموزشی کمک و تجارب علمی و حرفه‌ای شرکت‌کنندگان را غنی می‌سازد. (Fulbright.org, 2025)

سنت‌های یک ملت در سطح بین‌المللی به منظور بهبود تصویر آن، تأثیرگذاری بر برداشت‌ها و ایجاد حسن نیت در میان مردم کشورهای دیگر می‌باشد. در واقع دیپلماسی فرهنگی در بستر وسیع‌تری از قدرت نرم فعالیت می‌کند، جایی که کشورها به دنبال تأثیرگذاری بر دیگران نه از طریق اجبار یا زور بلکه از طریق جلب توجه و متقاعد کردن هستند. مطابق نظر تئوریسین‌های روابط بین‌الملل، دیپلماسی فرهنگی شامل مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و ابتکارات نظیر مبادلات آموزشی مانند ارائه بورسیه‌های تحصیلی، برنامه‌های هنری مانند برپایی نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های فرهنگی و یا تاسیس موسسات آموزشی برای یادگیری زبان، فرهنگ و تاریخ کشور مقابل است. (Library of Congress, 2024)

دیپلماسی فرهنگی با تکمیل تلاش‌های دیپلماتیک سنتی و فراهم کردن بستری برای ایجاد روابط بلندمدت و پایدار بین کشورها، نقشی حیاتی در روابط بین‌الملل ایفا می‌کند. ایجاد اعتماد و درک متقابل، تأثیرگذاری بر ادراک عمومی مخاطبان خارجی و حمایت از اهداف سیاست خارجی با پرداختن به چالش‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در تکمیل نقش دیپلماسی فرهنگی صورت می‌گیرند. در طول تاریخ، دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک عامل کلیدی در شکل‌گیری روابط بین‌الملل شناخته شده است. به عنوان نمونه، در دوران جنگ سرد، ایالات متحده و اتحاد جماهیر شوروی هر دو از دیپلماسی فرهنگی به منظور رقابت برای نفوذ در کشورهای در حال توسعه بهره برده و فرهنگ‌های خود را از طریق نمایشگاه‌های هنری، کنسرت‌های موسیقی و تبادلات آموزشی ترویج کردند. هدف این تلاش‌ها، جلب توجه و حمایت مردم و همچنین مقابله با جذابیت ایدئولوژیک رقیب بود. (Maggo, 2023: 3-9)

در سال‌های اخیر، دیپلماسی فرهنگی به عنوان ابزاری برای بازسازی روابط پس از درگیری‌ها، مانند تلاش‌های ایالات متحده برای تعامل با عراق و افغانستان از طریق برنامه‌های تبادل فرهنگی و ابتکارات آموزشی، به کار گرفته شده است. به طور مشابه، ابتکار کمربند و جاده چین^۱ شامل مؤلفه‌ای قوی از دیپلماسی فرهنگی است که از طریق مؤسسات کنفوسیوس و جشنواره‌های فرهنگی، زبان و فرهنگ چینی را در کشورهای شریک ترویج می‌کند. در این میان این سوال مطرح می‌شود که چرا ایالات متحده به دیپلماسی فرهنگی برای مقابله با چالش‌های مهاجرت

^۱ The Belt and Road Initiative (BRI)

ابتکار کمربند و جاده (BRI)، که توسط چین در سال ۲۰۱۳ راه‌اندازی شد، یک استراتژی توسعه جهانی است که هدف آن تقویت تجارت و اتصال سرمایه‌گذاری در سراسر آسیا، اروپا، آفریقا و آمریکای لاتین است. این ابتکار شامل پروژه‌های زیربنایی مانند جاده‌ها، راه‌آهن و بنادر است که برای بهبود مسیرهای تجارت جهانی طراحی شده‌اند.

روی آورده است؟ در پاسخ می‌توان اذعان کرد مسائل پیچیده و گاه جنجالی مرتبط با مهاجرت، به ویژه با کشور همسایه مکزیک، ایالات متحده را به طور فزاینده‌ای به دیپلماسی فرهنگی به عنوان یک ابزار استراتژیک متوسل کرده است. در واقع دیپلماسی فرهنگی به عنوان راهی برای مواجهه با چالش‌های مهاجرت، فراتر از ابعاد صرفاً سیاسی و اقتصادی عمل می‌کند.

در دهه‌های اخیر، مهاجرت، به ویژه از مکزیک به ایالات متحده، موضوعی بحث‌برانگیز در ایالات متحده به شمار می‌آید که منجر به بروز تنش‌های اجتماعی و مباحث سیاسی میان دو کشور شده است. دیپلماسی فرهنگی با تأکید بر مشارکت‌های مثبت مهاجران و ارزش‌های مشترک میان ایالات متحده و مکزیک، فضایی را برای تقویت درک متقابل و کاهش این تنش‌ها فراهم می‌آورد. از طریق تبادل‌های فرهنگی، برنامه‌های آموزشی و تعاملات اجتماعی، ایالات متحده در تلاش است تا مسئله مهاجرت را انسانی‌تر کند. هدف این کشور با ترویج گفت‌وگو و همکاری در عرصه فرهنگی، مقابله با کلیشه‌های منفی، بیگانه‌هراسی و احساسات ضد مهاجر است که غالباً بر گفتمان عمومی سایه می‌افکند. در واقع دیپلماسی فرهنگی با تمرکز بر مزایای فرهنگی و اقتصادی ناشی از تنوع، به ارائه تصویری دقیق‌تر از مهاجرت کمک می‌کند. (Adimora, 2023: 5-9)

روابط میان ایالات متحده و مکزیک یکی از مهم‌ترین همکاری‌های دوجانبه برای ایالات متحده به شمار می‌رود که به شدت تحت تأثیر اقتصاد، سیاست و جغرافیا قرار دارد. با این حال، موضوعات مربوط به مهاجرت معمولاً این رابطه را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد. ایالات متحده با تمرکز بر دیپلماسی فرهنگی، در تلاش بود تا روابط خود را با مکزیک تقویت کند، حتی در شرایطی که مباحث مربوط به سیاست مهاجرت ادامه داشت. ابتکارات دیپلماسی فرهنگی، از جمله برنامه‌های هنری، تبادل‌های دانشگاهی و پروژه‌های اجتماعی، به منظور ایجاد حسن نیت و همکاری میان دو کشور طراحی شده‌اند. این تلاش‌ها به حفظ روابط دیپلماتیک مثبت کمک کرده است، حتی در زمان‌هایی که تنش‌های مربوط به مهاجرت افزایش یافته بود. با تعامل با جوامع مکزیکی از طریق فرهنگ و آموزش، ایالات متحده به دنبال تقویت این مفهوم بود که هر دو کشور می‌توانند در مواجهه با چالش‌های مشترک، از جمله مهاجرت، با یکدیگر همکاری کنند. (Library of Congress, 2024)

۹- علل ریشه‌ای مهاجرت و چالش‌های متعاقب آن

یکی از دلایل عمده مهاجرت از مکزیک به ایالات متحده، نابرابری اقتصادی و کمبود فرصت‌ها در مکزیک بوده است. دیپلماسی فرهنگی به ایالات متحده این امکان را داد که با سرمایه‌گذاری در

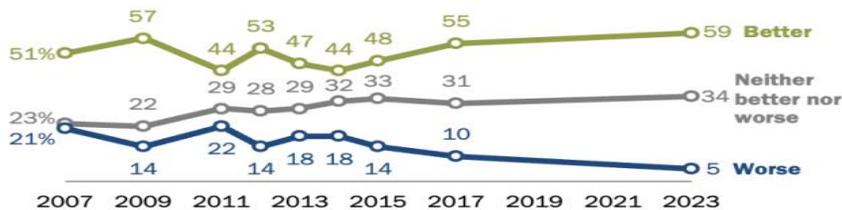
توسعه آموزشی و فرهنگی در مکزیک، به طور غیرمستقیم برخی از این علل بنیادی را کاهش دهد. به عنوان نمونه، برنامه‌های آموزشی و ابتکارات فرهنگی که با بودجه ایالات متحده آمریکا تأمین می‌شود، به منظور ارائه مهارت‌ها، دانش و فرصت به مکزیک‌ها در کشور خودشان طراحی شده بود تا عوامل فشارزا که منجر به مهاجرت می‌شود، کاهش یابد. با ترویج توسعه فرهنگی و اقتصادی از طریق این برنامه‌ها، ایالات متحده امیدوار بود شرایطی را در مکزیک فراهم آورد که مهاجرت به یک ضرورت برای بقا و انتخاب‌های بیشتر تبدیل شود. در مواجهه با لفاظی‌های فزاینده ضد مهاجران و سیاست‌های سختگیرانه مهاجرتی، به ویژه در دهه‌های ۱۹۹۰ و ۲۰۰۰، ایالات متحده با چالش‌هایی متناقض در حفظ تصویر مثبت خود در مکزیک روبرو شد که در این راه، دیپلماسی فرهنگی به عنوان راهی برای مقابله با ادراکات منفی عمل کرده و ایالات متحده را به عنوان کشوری غنی از نظر فرهنگی معرفی نمود. (Council of Foreign Relation: 2024)

این دیپلماسی با نمایش فرهنگ، ارزش‌ها و فرصت‌های آمریکایی به دنبال ایجاد درک مثبتی از ایالات متحده در میان شهروندان مکزیک بود، به ویژه در زمانی که اقدامات اجرایی مهاجرت، مانند نظامی کردن مرزها و اخراج، هر لحظه در حال افزایش بود.

نمودار ۳- افکار عمومی مردم مکزیک از مهاجرت به ایالات متحده آمریکا (۲۰۰۷-۲۰۲۳)

Most Mexicans see life as better in the U.S.

% of Mexicans who say people from their country who move to the U.S. have a ___ life there



Note: Those who did not answer are not shown.

Source: Survey of Mexican adults conducted March 22-April 30, 2023. Q13.

PEW RESEARCH CENTER

Mexican thoughts about Migration to U.S. www.pewresearch.org/ منبع:

مطابق نمودار ۳، اگر چه سیاستهای سختگیرانه دونالد ترامپ در مسائل مرزی و مهاجرتی درک متقابل دو کشور از چالش‌های امنیتی را افزایش داده اما میزان افکار عمومی مردم مکزیکی به مهاجرت کماکان افزایشی بوده و بیش از ۵۹ درصد از مردم نگرشی مثبت به روند مهاجرت به ایالات متحده آمریکا از خود بروز می‌دهند. (Pew research center, 2023)

دیپلماسی فرهنگی همچنین در فراهم کردن زمینه‌ای حمایتی برای اصلاحات جامع مهاجرتی در ایالات متحده تأثیرگذار بوده است. دولت ایالات متحده با برقراری ارتباط با جوامع مکزیکی و ترویج مفهوم تبادل فرهنگی و ادغام، به دنبال جلب حمایت عمومی برای سیاست‌های انسانی‌تر و متعادل‌تر در زمینه مهاجرت بوده است. از طریق دیپلماسی فرهنگی، ایالات متحده قادر است مزایای یک جامعه متنوع و یکپارچه را به نمایش بگذارد و نشان دهد که چگونه مهاجران به غنای فرهنگی و اقتصادی کشور کمک می‌کنند. این رویکرد به تغییر نگرش عمومی به نفع اصلاحاتی کمک کرد که به تأیید مشارکت مهاجران می‌پرداخت و در عین حال بر ضرورت وجود کانال‌های قانونی و امن برای مهاجرت تأکید می‌کرد. (Massey et al, 2012: 3-12)

۱۰- ارزیابی اثربخشی برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در رسیدگی به مسائل مهاجرت با مکزیکی

استفاده از دیپلماسی فرهنگی توسط ایالات متحده به عنوان روشی برای مواجهه با چالش‌های مهاجرتی با مکزیکی، نتایج متنوع و در مواردی متضاد را به همراه داشته است. در حالی که این برنامه‌ها در تقویت درک متقابل و بهبود روابط دوجانبه موفقیت‌های قابل توجهی کسب کرده‌اند، اما در عین حال در مواجهه با عوامل ساختاری، پیچیده و ریشه‌دار مهاجرت، همچنان با محدودیت‌هایی جدی روبرو هستند. به منظور ارزیابی جامع‌تر، تحلیل این برنامه‌ها در چند حوزه کلیدی همچون ارتقاء تصویر ملی، کاهش تنش‌های سیاسی و اجتماعی، رسیدگی به علل بنیادین مهاجرت، و تأثیرگذاری بر فضای سیاست‌گذاری داخلی و عمومی ایالات متحده ضروری است. یکی از اهداف اصلی دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده، بهبود تصویر آن کشور در افکار عمومی مکزیکی و ارتقای سطح درک دوجانبه میان دو ملت بوده است. در این چارچوب، برنامه‌هایی نظیر بورسیه‌های فولبرایت، تبادلات دانشگاهی، جشنواره‌های هنری دوجانبه، و ابتکارات زبانی، همچون آموزش زبان انگلیسی در مکزیکی با حمایت دولت ایالات متحده، توانسته‌اند بستری برای تماس مستقیم فرهنگی ایجاد کنند. این برنامه‌ها، نه تنها به مکزیکی‌ها امکان تجربه‌ی نزدیک‌تر با جامعه

آمریکا را داده‌اند، بلکه با تقویت مواجهات میان فرهنگی، کلیشه‌های منفی در روایت‌های رسانه‌ای را نیز تا حدی به چالش کشیده‌اند. (Business Roundtable: 2024)

در سطحی دیگر، دیپلماسی فرهنگی نقش مهمی در کاهش تنش‌ها در مقاطع بحرانی ناشی از سیاست‌های سخت‌گیرانه مهاجرتی ایفا کرده است. در زمان‌هایی که فضای سیاسی آمریکا با تشدید اقدامات ضد مهاجرتی یا گفتمان‌های ناسیونالیستی همراه بوده، ابتکارات فرهنگی همچون پل ارتباطی غیررسمی عمل کرده و فرصت‌هایی برای گفت‌وگو و همکاری‌های نمادین ایجاد کرده‌اند. این گونه اقدامات توانسته‌اند به عنوان یک نیروی تعادل‌بخش، تأثیرات منفی سیاست‌هایی نظیر افزایش دیوار مرزی، بازداشت و اخراج گسترده مهاجران را تا حدی مهار کنند. با این حال، این ظرفیت‌ها در مواقع بحرانی که فضای سیاسی به شدت قطبی می‌شود، به‌ویژه در دوره‌هایی مانند ریاست جمهوری ترامپ، محدود شده‌اند؛ چرا که برنامه‌های فرهنگی توانایی مقابله با گفتمان‌های غالب سیاسی و ساختارهای قدرت رسمی را ندارند و در نتیجه، تأثیر آن‌ها در سطح کلان سیاسی کاهش می‌یابد. از جمله اهداف بلندپروازانه‌تر دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده، پرداختن به علل ریشه‌ای مهاجرت از مکزیک نظیر نابرابری اقتصادی، فقر ساختاری و بی‌ثباتی اجتماعی بوده است. برنامه‌های آموزشی، مهارتی و فرهنگی که با حمایت مالی نهادهای آمریکایی در مناطق محروم مکزیک اجرا شده‌اند، در برخی مناطق به توانمندسازی فردی، ارتقاء فرصت‌های اقتصادی، و کاهش انگیزه مهاجرت کمک کرده‌اند. به طور خاص، پروژه‌هایی در زمینه کارآفرینی اجتماعی، آموزش مهارت‌های فنی، و تقویت غرور فرهنگی، بخشی از استراتژی ایالات متحده برای مقابله با مهاجرت از طریق توسعه در مبدأ بوده‌اند. با این حال، تحلیل‌ها نشان می‌دهد که وسعت و عمق این برنامه‌ها، برای مقابله با فشارهای ساختاری گسترده‌ای که زمینه‌ساز مهاجرت هستند، کافی نبوده و در غیاب اصلاحات اقتصادی کلان، تأثیر آن‌ها اغلب در سطح محلی و محدود باقی مانده است. (Harris, 2017: 22-40)

از سوی دیگر، دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده تلاش کرده است تا از طریق برجسته‌سازی مشارکت‌های مهاجران مکزیکی در جامعه آمریکا و تأکید بر مزایای تنوع فرهنگی، بر فضای سیاست‌گذاری و گفت‌وگوهای عمومی پیرامون مهاجرت نیز تأثیرگذار باشد. برنامه‌هایی که در قالب جشنواره‌ها، نمایشگاه‌ها، فیلم‌های مستند و حمایت از پروژه‌های فرهنگی دو رگه‌های مکزیکی-آمریکایی اجرا شده‌اند، به ایجاد روایت‌های جایگزین در مقابل نگاه‌های نژادپرستانه یا بیگانه‌هراس کمک کرده‌اند. این روایت‌ها در تلاشند تا مشارکت مهاجران را به عنوان بخش

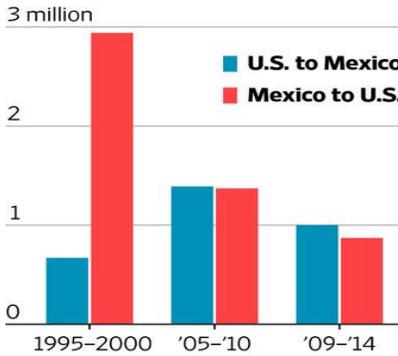
سازنده جامعه آمریکایی معرفی کرده و زمینه‌ای فرهنگی برای حمایت از اصلاحات مهاجرتی فراهم کنند. در این بستر، دیپلماسی فرهنگی نه تنها وسیله‌ای برای ارتباط میان کشورها، بلکه ابزاری برای بازتعریف هویت ملی، انسجام اجتماعی و عدالت فرهنگی در داخل ایالات متحده نیز به‌شمار می‌رود.

نمودار ۴- میزان مهاجرت قانونی و غیر قانونی میان مکزیک و ایالات متحده آمریکا پس از جنگ سرد

Net Loss

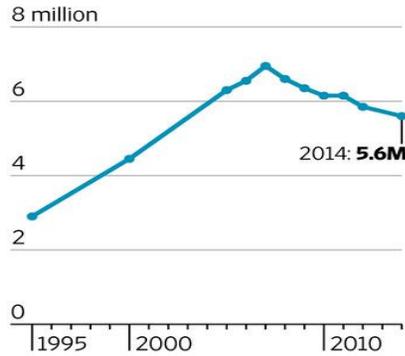
The number of Mexican immigrants coming to the U.S. has fallen below the number heading back to their home country.

Migration between the U.S. and Mexico



Source: Pew Research Center

Estimated Mexican illegal immigrants in the U.S.



THE WALL STREET JOURNAL.

Migration legal, illegal between Mexico, U.S. www.pewresearch.org/ منبع:

این تلاش‌ها به‌ویژه در مقابله با لفاظی‌های ضد مهاجر و حمایت از سیاست‌هایی که تأثیر مثبت مهاجران را به رسمیت می‌شناسند، اهمیت دارد. با این حال، تأثیر دیپلماسی فرهنگی بر سیاست و بحث عمومی به دلیل پویایی‌های سیاسی وسیع‌تر محدود شده است. مهاجرت همچنان موضوعی بسیار بحث‌برانگیز در ایالات متحده است و برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی، هرچند ارزشمند، نتوانسته‌اند به‌طور قابل توجهی گفتگوی ملی را تغییر دهند یا بر اختلافات عمیق سیاسی غلبه کنند. در نتیجه، اثربخشی دیپلماسی فرهنگی در تأثیرگذاری بر نتایج سیاست‌ها به دلیل زمینه سیاسی وسیع‌تر محدود شده است. (Library of Congress, 2024)

۱۱- تأثیر برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده بر افکار عمومی در هر دو کشور در مکزیک، برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده به کاهش برخی از نگرش‌های منفی نسبت به این کشور کمک کننده بوده، به ویژه در زمان‌هایی که تنش‌های سیاسی در زمینه مهاجرت افزایش می‌یابد. برنامه‌هایی که به ترویج مبادلات آموزشی، یادگیری زبان و مشارکت‌های

فرهنگی می‌پردازند، ارتباطات مثبتی با ایالات متحده به ویژه در میان افرادی که به طور مستقیم در این طرح‌ها شرکت دارند، برقرار کرده‌اند. ترویج نگرش‌های مثبت نسبت به ایالات متحده با برنامه‌های تبادل آموزشی و فرهنگی، نظیر بورسیه‌های تحصیلی فولبرایت و کمیسیون تبادل آموزشی و فرهنگی ایالات متحده و مکزیک^۱، به دانشجویان و پژوهشگران مکزیکی این امکان را داده که فرهنگ آمریکایی را به طور نزدیک تجربه کنند. این مبادلات معمولاً به ایجاد دیدگاه‌های مثبت‌تری نسبت به ایالات متحده منجر می‌شود، زیرا شرکت‌کنندگان با درک عمیق‌تری از ارزش‌ها، تنوع و فرصت‌های موجود در آمریکا به مکزیک بازمی‌گردند. این تجربیات شخصی به تعدیل روایت‌های منفی که غالباً با سیاست‌های مهاجرتی ایالات متحده مرتبط است، کمک می‌کند. همچنین ابتکارات دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در پاسخ به نیازهای اقتصادی مهاجران مکزیکی، با تمرکز بر ارتقاء مهارت‌های آنان، تقویت توسعه اجتماعی و بهبود درک عمومی از ادغام در جامعه آمریکا، تأثیرات مثبتی بر روند مهاجرت مکزیکی‌ها به ایالات متحده داشته است.

برنامه‌های فرهنگی که بر ارزش‌ها و منافع مشترک بین دو کشور تأکید دارند، به کاهش احساسات ضد آمریکایی در مکزیک، به ویژه در مناطقی که مسائل مهاجرت و مرزی بیشترین تنش‌ها را ایجاد می‌کنند کمک کرده است. طرح‌هایی مانند جشنواره‌های فرهنگی نیز در این راستا مؤثر بوده زیرا برداشت‌های منفی از ایالات متحده در واکنش به این تحولات دوباره ظاهر می‌شود. ابتکارات دیپلماسی فرهنگی که فرهنگ مکزیک را از طریق هنر، موسیقی و غذا معرفی می‌کند، به شبیه‌سازی تجربه مهاجران و تغییر نگرش عمومی نسبت به مهاجرت کمک کرده است. این برنامه‌ها با تأکید بر جنبه‌های مثبت فرهنگ مکزیک و نقش مهاجران در جامعه آمریکا، به مقابله با بیگانه‌هراسی و احساسات ضد مهاجرتی در برخی جوامع پرداخته‌اند. به عنوان مثال، رویدادهای فرهنگی و جشنواره‌هایی که میراث مکزیکی را گرامی می‌دارند، موجب افزایش درک و پذیرش مهاجران در میان آمریکایی‌هایی شده است که ممکن است با فرهنگ مکزیک آشنایی کمی داشته باشند. (Council of Foreign Relation, 2016)

^۱ Comisión México-Estados Unidos para la Cultura y la Educación (COMEXUS)

این کمیسیون یک سازمان دوجانبه است که برای مدیریت و نظارت بر برنامه‌های تبادل آموزشی و فرهنگی بین مکزیک و ایالات متحده در سال ۱۹۹۸ تأسیس شده است. هدف این کمیسیون تقویت درک متقابل و تقویت روابط آموزشی از طریق طرح‌های مختلف از جمله بورسیه‌های تحصیلی، کمک هزینه‌های تحقیقاتی و فرصت‌های توسعه حرفه‌ای است.

به علاوه برنامه‌های آموزشی که دانشجویان و متخصصان آمریکایی و مکزیکی را به هم متصل می‌کند، در شکل‌دهی به بحث عمومی درباره مهاجرت تأثیرگذار بوده است. این ابتکارات با فراهم کردن فرصت‌هایی برای تعامل و گفت‌وگوی مستقیم، به آمریکایی‌ها این امکان را می‌دهد که درک عمیق‌تری از چالش‌ها و آرزوهای مهاجران مکزیکی پیدا کرده و به نوبه خود به گفتمان عمومی آگاهانه‌تر و همدلانه‌تر در مورد مسائل مهاجرت کمک کنند. با وجود این تأثیرات مثبت این برنامه‌ها، دامنه برنامه‌های دیپلماسی فرهنگی در ایالات متحده به ویژه در مناطقی که احساسات ضد مهاجر عمیق‌تر ریشه دوانده، محدود بوده است. در حالی که رویدادها و مبادلات فرهنگی می‌توانند توانایی ممکن برای ایجاد تغییر معنادار در نگرش‌های عمومی را محدود کرده و یا افزایش دهند. (Ambriz, 2020: 18-34)

در این میان، نقش رسانه‌های اسپانیولی‌زبان و پرمخاطب مکزیکی در ایالات متحده نیز در تقویت دیپلماسی فرهنگی قابل توجه است. رسانه‌هایی همچون *Univision* و *Telemundo* نه تنها در انتقال فرهنگ و هویت مکزیکی به نسل دوم و سوم مهاجران نقش ایفا می‌کنند، بلکه بستری برای گفت‌وگوی بین‌فرهنگی، اطلاع‌رسانی درباره حقوق مهاجران و مقابله با کلیشه‌های منفی فراهم می‌آورند. این رسانه‌ها با پخش برنامه‌های فرهنگی، مستندهای اجتماعی، و اخبار تحلیلی به زبان مادری مهاجران، حس تعلق و همبستگی اجتماعی را تقویت کرده و در کاهش احساس انزوا و طرد فرهنگی مؤثرند. از این منظر، رسانه‌ها به‌عنوان ابزار غیررسمی اما مؤثر دیپلماسی فرهنگی، به تقویت تصویر مثبت مکزیکی‌ها در جامعه میزبان و نیز به بازسازی روایت‌های مربوط به مهاجرت در افکار عمومی کمک کرده‌اند. بنابراین، دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در تعامل با جامعه مکزیکی نه تنها در قالب سیاست‌های رسمی بلکه از مسیرهای ارتباطی غیررسمی چون رسانه‌های فراملی نیز گسترش یافته و به ارتقای درک متقابل یاری رسانده است. (Comscore, 2022)

۱۲- چالش‌های موجود در دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در حوزه مهاجرت

دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در مواجهه با مسائل مهاجرت، به‌ویژه در ارتباط با مکزیکی، نقش محوری در تلاش‌های غیررسمی برای مدیریت و تلطیف پیامدهای اجتماعی و سیاسی مهاجرت ایفا کرده است. با این حال، این رویکرد با مجموعه‌ای از چالش‌های ساختاری و زمینه‌ای روبروست که می‌تواند تأثیرگذاری آن را در کوتاه‌مدت و بلندمدت تضعیف نماید. یکی از

اساسی‌ترین این چالش‌ها، فضای سیاسی دوقطبی شده در هر دو کشور است. در ایالات متحده، موضوع مهاجرت به یکی از قطب‌بندی‌شده‌ترین مباحث سیاسی تبدیل شده و نگرش‌ها نسبت به مهاجران، به‌ویژه مهاجران مکزیکی، به شدت تابع گفتمان‌های حزبی و رسانه‌ای است. در حالی که برخی جریان‌ها، مهاجرت را عاملی تهدیدزا برای امنیت و هویت ملی قلمداد می‌کنند، دیگران آن را عنصری کلیدی در تکثر فرهنگی و پویایی اقتصادی می‌دانند. این تشتت در برداشت‌های سیاسی، نه تنها زمینه‌ساز دشواری برای اجرای مؤثر برنامه‌های فرهنگی است، بلکه می‌تواند موجب تضعیف مشروعیت اجتماعی این برنامه‌ها در چشم برخی مخاطبان شود. (Lusting, 1995: 6-10)

افزون بر این، محدودیت‌های مالی و ساختاری نیز موانعی جدی بر سر راه دیپلماسی فرهنگی محسوب می‌شوند. بسیاری از ابتکارات فرهنگی به منابع مالی دولتی وابسته‌اند که اغلب تحت تأثیر چرخه‌های بودجه‌ای، تغییرات دولتی و اولویت‌های کوتاه‌مدت قرار دارند. چنین بی‌ثباتی مالی، تداوم و توسعه بلندمدت این برنامه‌ها را تهدید می‌کند و مانع از طراحی راهبردهای فرهنگی مؤثر در سطح گسترده می‌شود. علاوه بر آن، کمبود نیروی انسانی آموزش‌دیده در حوزه تعاملات بین فرهنگی، به‌ویژه در مناطقی خارج از مراکز فرهنگی بزرگ، موجب می‌شود که اجرای برنامه‌ها در سطح جغرافیایی وسیع‌تر با دشواری همراه شود. تمرکز جغرافیایی برنامه‌های فرهنگی نیز یک مانع جدی دیگر به‌شمار می‌آید. اغلب این برنامه‌ها در شهرهای بزرگ و دارای منابع فرهنگی غنی همچون لس‌آنجلس، شیکاگو و نیویورک متمرکز هستند، در حالی که مناطق روستایی یا ایالت‌های جنوبی و محافظه‌کارتر که بیشتر در معرض مهاجرت هستند و اغلب نگرش‌های ضد مهاجرتی در آن‌ها شدیدتر است، کمتر هدف برنامه‌های فرهنگی قرار می‌گیرند. همین عدم توازن جغرافیایی در اجرا، موجب می‌شود که دیپلماسی فرهنگی در تأثیرگذاری بر افکار عمومی در مناطق حساس، کارآمد نباشد.

از دیگر چالش‌های راهبردی، فقدان بهره‌گیری از ظرفیت زبانی گسترده درون جامعه ایالات متحده است. با وجود این که بیش از ۶۰ میلیون نفر از شهروندان آمریکا به زبان اسپانیولی صحبت می‌کنند، این ظرفیت زبانی عمدتاً در برنامه‌های رسمی فرهنگی نادیده گرفته می‌شود. استفاده محدود از زبان اسپانیولی در ارتباطات رسمی و فرهنگی، به‌ویژه در ایالت‌هایی که رویکردهای ناسیونالیستی غالب است، مانع از تقویت پیوندهای فرهنگی طبیعی میان مهاجران و جامعه میزبان شده و به‌جای کاهش شکاف، آن را تعمیق می‌بخشد. این در حالی است که زبان اسپانیولی می‌تواند به‌عنوان یک ابزار مؤثر برای انتقال پیام‌های فرهنگی، ارتقاء شمول اجتماعی و تعامل

دوسویه با مهاجران مکزیکی مورد استفاده قرار گیرد. نبود سیاست‌گذاری زبانی هدفمند و نبود اراده سیاسی برای نهادینه‌سازی چندزبانی، موجب شده است که این پتانسیل ارزشمند به‌صورت پراکنده، غیربرنامه‌ریزی‌شده و عمدتاً در حاشیه باقی بماند. در واقع، می‌توان ادعان داشت که اگرچه دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده ابزار بالقوه‌ای برای تلطیف تنش‌های ناشی از مهاجرت و ایجاد درک متقابل میان دو ملت به‌شمار می‌رود، اما در عمل، تحقق کامل اهداف آن مستلزم عبور از موانع سیاسی، مالی، ساختاری و زبانی است. بازاندیشی در سیاست‌گذاری فرهنگی، افزایش عدالت جغرافیایی در اجرای برنامه‌ها، و استفاده هدفمند از ظرفیت‌های داخلی، از جمله الزامات ضروری برای تقویت کارآمدی دیپلماسی فرهنگی در مدیریت مسائل پیچیده مهاجرتی بین ایالات متحده و مکزیک محسوب می‌شود. (Jones, 2018: 4-9)

۱۳- تأثیر کلی دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده بر روابط مهاجرت با مکزیک

با وجود محدودیت‌های موجود، دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده همچنان به‌عنوان ابزاری قابل اتکا برای حفظ کانال‌های ارتباطی، به‌ویژه در شرایطی که روابط سیاسی رسمی متأثر از تنش‌های مهاجرتی دچار اختلال شده‌اند، مطرح است. این رویکرد فرهنگی، امکان تعامل غیررسمی و اعتمادسازی را میان دولت‌ها و ملت‌ها فراهم می‌آورد؛ امری که در مواجهه با مسائل حساس مهاجرت، مزیتی استراتژیک به‌شمار می‌رود. در بسیاری از موارد، حتی زمانی که مذاکرات سیاسی میان مقامات رسمی متوقف شده یا دچار رکود بوده، برنامه‌های فرهنگی همچنان ادامه یافته و فضایی برای حفظ گفتگو ایجاد کرده‌اند. یکی دیگر از اثرات مهم دیپلماسی فرهنگی در زمینه مهاجرت، کمک به فرآیند ادغام اجتماعی مهاجران در جامعه ایالات متحده است. در قالب برنامه‌هایی نظیر نمایشگاه‌های فرهنگی، کلاس‌های زبان، برنامه‌های آموزشی میان‌فرهنگی و حمایت از سازمان‌های مهاجرمحور، ایالات متحده تلاش کرده است تا فرایند جذب و مشارکت مهاجران مکزیکی در حیات اجتماعی را تسهیل کند. چنین تلاش‌هایی نه تنها موجب کاهش احساس بیگانگی در میان مهاجران می‌شود، بلکه در تضعیف گفتمان‌های نژادگرایانه و ضد مهاجر نیز نقش دارد. با این حال، چنانکه اشاره شد، اثربخشی این برنامه‌ها محدود به حوزه‌های محلی یا خاص است و در فقدان سیاست‌های مکمل اقتصادی و اجتماعی، نمی‌تواند به تنهایی زمینه‌ساز ادغام کامل باشد. (Chiaromonte, 2007: 10-14)

در سطح روابط دوجانبه نیز، دیپلماسی فرهنگی بستری برای ایجاد همکاری‌های بلندمدت ایجاد کرده است. همکاری‌های علمی، هنری و دانشگاهی بین نهادهای مکزیکی و آمریکایی، نه تنها موجب افزایش درک دوجانبه شده، بلکه باعث ایجاد شبکه‌هایی از کنشگران فرهنگی و اجتماعی شده که در بزنگاه‌های بحرانی می‌توانند به‌عنوان پل‌های ارتباطی عمل کنند. این نوع ارتباطات غیررسمی گاه اثربخشی بیشتری نسبت به کانال‌های دیپلماتیک سنتی دارند، به‌ویژه در شرایطی که فضای سیاسی پرتنش یا خصمانه است. با این وجود، نباید از نظر دور داشت که دیپلماسی فرهنگی اگرچه می‌تواند تصویر ایالات متحده را بهبود بخشد و همکاری‌ها را تسهیل کند، اما به‌عنوان راه‌حلی جامع برای مشکلات ساختاری که ریشه در نابرابری، فقر، خشونت و بی‌ثباتی سیاسی دارند، کافی نیست. این نوع دیپلماسی باید با سیاست‌های توسعه‌ای، آموزشی و اقتصادی همراه شود تا بتواند تأثیری پایدار در کاهش محرک‌های مهاجرت ایفا کند. کارشناسان بر این باورند که برای دستیابی به نتایج عمیق‌تر، دیپلماسی فرهنگی باید در قالب یک راهبرد جامع‌تر و میان‌بخشی، در تعامل با سایر نهادهای دولتی، بخش خصوصی و جامعه مدنی به اجرا درآید. در نهایت، دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در زمینه مهاجرت با مکزیکی، از یک‌سو توانسته است به‌عنوان ابزاری مؤثر برای تلطیف تنش‌ها، ارتقاء تفاهم متقابل و تقویت همکاری‌های دوجانبه عمل کند و از سوی دیگر، با محدودیت‌هایی ذاتی و ساختاری مواجه بوده است که کارآمدی آن را در حوزه‌هایی مانند ادغام اجتماعی فراگیر یا کاهش مهاجرت اجباری محدود می‌سازد. چشم‌انداز موفقیت دیپلماسی فرهنگی در بلندمدت، نیازمند طراحی مجدد این سیاست‌ها در قالبی پایدار، مشارکتی و چندسطحی است که در آن مسائل مهاجرت نه صرفاً از منظر فرهنگی، بلکه در پیوند با عدالت اجتماعی و توسعه انسانی مورد توجه قرار گیرد. (Soria, 2017: 14-16).

نتیجه‌گیری

در پایان این پژوهش، آنچه فراتر از داده‌ها و شواهد تجربی نمایان می‌شود، چهره‌ای پیچیده از دیپلماسی فرهنگی به مثابه یکی از ظریف‌ترین جلوه‌های قدرت نرم در عصر پساجنگ سرد است. دیپلماسی فرهنگی ایالات متحده در تعامل مهاجرتی با مکزیکی، نه صرفاً ابزاری برای انتقال ارزش‌ها و تصویرسازی فرهنگی، بلکه گونه‌ای از کنش سیاسی نرم و فراساختاری بوده که در سایه آن، مفاهیم چون همزیستی، ادغام و فهم متقابل شکل گرفته‌اند. در پاسخ به پرسش اصلی پژوهش، می‌توان گفت که این نوع دیپلماسی، نه با رفع کامل نیازهای اقتصادی مهاجران، بلکه با تسهیل ادراک متقابل، تلطیف فضاها و حمایت از شبکه‌های هویتی و زبانی، به تقویت

پیوندهای اجتماعی میان مهاجران و جامعه میزبان یاری رسانده است. بدین سان، دیپلماسی فرهنگی در حاشیه سیاست‌های رسمی، کارکردی شبه‌میانجی یافته؛ میانجی‌ای که در دوران انسدادهای سیاسی، همچون دوره دولت ترامپ، به مثابه یک مکانیزم روان‌ساز در مناسبات دو کشور عمل کرده است. با این حال، دیپلماسی فرهنگی، به‌رغم ظرفیت‌های انکارناپذیرش، در خلا شکل نمی‌گیرد و همچون هر ابزار سیاسی دیگر، در بستر ساختارهای قدرت، منابع نهادی و گفتمان‌های مسلط شکل می‌پذیرد. تمرکز جغرافیایی محدود، بهره‌برداری نامنظم از ظرفیت‌های زبانی داخلی، و وابستگی به بودجه‌های ناپایدار دولتی، همگی نشان‌دهنده آن است که این نوع دیپلماسی، نیازمند بازاندیشی راهبردی و انسجام نهادی است. از این‌رو، تأیید فرضیه پژوهش‌بدان معناست که ابتکارات دیپلماسی فرهنگی، در هم‌افزایی با عوامل اقتصادی و اجتماعی، می‌توانند مسیر ادغام مهاجران مکزیکی را هموار کنند. اما این تأثیر، نه از سر تصادف، بلکه مستلزم تلفیق با سیاست‌های عدالت‌محور، زبان‌محور و جامعه‌محور است؛ سیاست‌هایی که مهاجرت را نه مسئله‌ای امنیتی، بلکه پدیده‌ای انسانی و تاریخی ببینند. در افق نظری این پژوهش، دیپلماسی فرهنگی تجلی گونه‌ای از قدرت غیرمتمرکز است؛ قدرتی که نه از تحکم سیاسی، بلکه از عمق فرهنگی و تمایل به گفت‌وگو برمی‌خیزد. اگر این ظرفیت با دیدی کل‌نگر، مشارکتی و مبتنی بر عدالت اجتماعی توسعه یابد، می‌تواند فراتر از عرصه مهاجرت، به الگویی برای مواجهه با چالش‌های جهانی بدل شود: الگویی که در آن، سیاست نه با دیوار، بلکه با واژه؛ نه با حذف دیگری، بلکه با فهم او شکل می‌گیرد.

منابع و مأخذ

انگلیسی:

- Adimora, k. (2023). "Expert Focus on US Immigration: Challenges and Possible Solutions". Baker Institute of Foreign Policy.
<https://www.bakerinstitute.org/research/expert-focus-us-immigration-challenges-and-possible-solutions>
- Ambriz, G. (2020). "All Hail the Market: Immigration and Economics in a Post-Cold War Western Hemisphere". The University of San Francisco.
<https://repository.usfca.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=2397&context=thes>

- Boston University Human Resources. (2025). "Immigration Reform and Control Act (IRCA)". <https://www.bu.edu/hr/policies/federal-and-state-laws/immigration-reform-and-control-act-irca/>
- Bracero History Archive. (2021). "The Bracero Program". <https://braceroarchive.org/about>
- Business Roundtable. (2024). "CEO Principles for Making Immigration Work for America". <https://www.businessroundtable.org/policy-perspectives/immigration/a-modern-approach-to-us-immigration-policy>
- Chiaromonte, G. (2007). "The Evolution of U. S. Cultural Diplomacy in the Cold War México y la Cuenca del Pacífico". Universidad de Guadalajara. vol. 10, Num. 28. <https://www.redalyc.org/pdf/4337/433747604003.pdf>
- ComScore. (2022). "The Highest-Ranking U.S. Hispanic TV Networks and Series of 2022". <https://www.comscore.com/por/Insights/Blog/The-Highest-Ranking-US-Hispanic-TV-Networks-and-Series-of-2022>
- Council of Foreign Relations. (2023). "U.S. - Mexico Relations from 1810-2023". <https://www.cfr.org/timeline/us-mexico-relations>
- Federal Reserve History. (2023). "Latin American Debt Crisis of the 1980s". <https://www.federalreservehistory.org/essays/latin-american-debt-crisis>
- Fulbright. (2025). "Fulbright's Mission and Management". <https://www.fulbrightprogram.org/about/>
- Hansell, A., Voelker, D.K., España-Pérez, S., Watson, J.C., Luzynski, C., Bravo, G., Giacobbi, P.R. & Gonzalez-Gallegos, A. (2023). "An Exploration and Reflection of Mexican Perceptions of the United States and Americans Following a Short-Term Sport for Development Initiative". *Journal of Sport for Development*. <https://jsfd.org/2024/03/12/an-exploration-and-reflection-of-mexican-perceptions-of-the-united-states-and-americans-following-a-short-term-sport-for-development-initiative/>
- Harris, Stephanie Leanne. (2017). "Americans' Willingness to Communicate with Mexican Immigrants: Effects of Ethnocentrism and Immigration Status Immigrants". Old Dominion University.
- Immigration History. (2019). "Immigration and Nationality Act of 1965 (Hart-Celler Act)". <https://immigrationhistory.org/item/hart-celler-act/>
- Jones SM. (2018). "Trust Development With the Spanish-Speaking Mexican American Patient: A Grounded Theory Study". *West J Nurs Res*. P: 40(6):799-814. doi: 10.1177/0193945917690123. Epub 2017 Jan 30. PMID: 28322664.
- Library of Congress. (2023). "Immigration and Relocation in U.S. History". <https://www.loc.gov/classroom-materials/immigration/mexican/expansion-and-expulsion/>
- Lusting, N. (1995). "The Mexican Peso Crisis: The Foreseeable and the Surprise". *Journal of Brookings*. <https://www.brookings.edu/articles/the-mexican-peso-crisis-the-foreseeable-and-the-surprise/>
- Maggo, R. (2023). "The Impact of Mexican Immigration to the United States". *International Journal of Novel Research and Development*. Volume:4. Issue:5. <https://www.ijnrd.org/papers/IJNRD2305862.pdf>
- MALDEF. (2019). "Proposition 187: The Granddaddy of Anti-Immigrant Measures". <https://www.maldef.org/2019/10/proposition-187-the-grand-daddy-of-anti-immigrant-measures/>

- Massey, D. S.; Pren, K. A.(2012). “*Unintended consequences of US immigration policy: explaining the post-1965 surge from Latin America*”. Popul Dev Rev. vol;38(1):1-29. <https://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC3407978/>
- Mexican Historico. (2025). “*The Mexican Revolution: Key Events and Figures*”. <https://www.mexicohistorico.com/paginas/The-Mexican-Revolution--Key-Events-and-Figures.html>
- Meza, F. (2019). “*The Monetary and Fiscal History of Mexico, 1960–2017*”. A Program of Becker Fridman Institute. Vol: 60. <https://bfi.uchicago.edu/wp-content/uploads/The-Case-of-Mexico.pdf>
- National Archive. (2025). “*Treaty of Guadalupe Hidalgo (1848)*”. <https://www.archives.gov/milestone-documents/treaty-of-guadalupe-hidalgo>
- Nye, J. (2017). “*Soft power: the origins and political progress of a concept*”. Palgrave Commun 3, 17008. <https://doi.org/10.1057/palcomms.2017.8>
- O’Neil, SH. K. (2016). “*How Americans See Mexico*”. Council of Foreign Relations. <https://www.cfr.org/blog/how-americans-see-mexico>
- Real Instituto Elcano. (2008). “*La diplomacia cultural del Mexico (ARI)*”, <https://www.realinstitutoelcano.org/analisis/la-diplomacia-cultural-de-mexico-ari/>
- Schafer, H.W. (2014). “*Identity Politics and the Political Field: A Theoretical Approach to Modelling a Field of Identity Politics*”. Inter- American Studies. P:375-399. <https://core.ac.uk/download/pdf/15990253.pdf>
- Snodgrass MD. (2023). “*Deportation, Diplomacy, and Defiance: New Research on Mexican Migration*”. Latin American Research Review. <https://www.cambridge.org/core/journals/latin-american-research-review/article/deportation-diplomacy-and-defiance-new-research-on-mexican-migration/0D4A8BA08962163BCBFFEE588DD38F78>
- Soria, j. (2017). “*Mexican immigrants in the United States: A review of the literature on integration, segregation, and discrimination*”. El Colegio Mexiquense, A.C., Mexico. vol.18 no.37. https://www.scielo.org.mx/scielo.php?pid=S0187-69612017000300001&script=sci_arttext&tlng=en
- Study Smarter. (2025). “*Cross-cultural Communication in Media*”. <https://www.studysmarter.co.uk/explanations/media-studies/cross-cultural-communication-in-media/>
- U.S. Department of Agriculture. (2024). “*H-2A Visa Program*”. <https://www.farmers.gov/working-with-us/h2a-visa-program>
- Us Citizenship and Immigration Service. (2025). “*H-2A Temporary Agricultural Workers*”. <https://www.uscis.gov/working-in-the-united-states/temporary-workers/h-2a-temporary-agricultural-workers>